

## اول تسالونیکیان فصل 5 ایه 1 تا 11

بسیاری از پدر و مادرها در زمان بچه دار شدن خیلی ارزوها و خواسته ها از بچه هایشان دارند. آنها انتظار این را دارند که فرزندشان بایستی زیبا، باهوش، تندرست، ورزشکار و یا فردی با بازدهی بالا برای جامع خود باشد. بدینترتیب به فکر آینده او می باشند. همه والدین ها تقریباً دوست دارند که فرزندشان در آینده همه این انتظارها را برآورده بکنند. ولی حال اگر بچه شان توانایی آن را نداشته باشد چگونه خواهد شد؟ چند سال پیش در دادگاه عالی کشور المان یک پرونده ای درباره موضوعی به جریان افتاد که در آن، پدر و مادر یک کودکی از او دلسرد شده بودند. اهمیت این موضوع به قدری بود که والدین این کودک به دادگاه عالی مراجعه کرده بودند و اظهاراتی مبنی بر متولد شدن بچه ناقص شان عنوان کردند. برطبق معاینات پزشکان، بچه متولد شده یک کودک عقب مانده ذهنی بود و ان والدین آن را نمی خواستند و نیز چنین عنوان کردند که اگر قبلاً می دانستند که نوزادشان ناقص به دنیا می آید، هرگز بچه دار نمی شدند. دادگاه بعد از بررسی پرونده حق را به والدین آن کودک داد و اذعان داشت که این کودک صد درصد برای جامعه ضرر داشته و هیچ بازدهی نمی تواند داشته باشد. حال چرا بایستی اینگونه باشد؟ چون ما انسان ها اینطور فکر می کنیم که ان کودک آینده ای ندارد؟ اگر اینگونه باشد اینطور به نظر می آید که آینده برای انسان ها اهمیت زیادی دارد. حالا بیاییم تصور بکنیم که آینده دیگر برای ما انسان ها اهمیتی نداشته باشد. دیگر مدرسه ای وجود نخواهد داشت و یا کسی پیشرفتی در کارش ندارد و یا تربیت بچه ها و یا رابطه ها همه از بین می روند. ولی برای ما مسیحیان، آینده مثل یک شاه کلید و مرکز همه امورمان اهمیت دارد بطوری که تسالونیکیان این چنین می گوید:

"شاید بپرسید که مسیح چه زمان باز خواهد گشت. ای عزیزان لازم نیست دراینباره چیزی بنویسم. زیرا شما به خوبی می دانید که هیچکس زمان بازگشت او را نمی داند. روز خداوند همچون دزد شب ناگهان سر می رسد"

من از این ایه ها این را یاد می گیرم که آینده بسیار مهم است. بر سر ایمانمان چه خواهد آمد اگر ما به آینده ایمان نداشته باشیم؟ چرا من بایستی به کلیسا بروم و یا افرادی را به ان دعوت کنم. همان طور که پولس در نامه قرنتیان می نویسد که اگر ما به رستاخیز بعد از مرگ اعتقاد نداشته باشیم شخصیت روحانی پایینی خواهیم داشت. به خاطر همین ما بایستی همواره جمله های نامه تسالونیکیان را در ذهن داشته باشیم. ما نمی توانیم به آینده بی تفاوت باشیم. تمام عاقبت زندگی و ایمان مان، همه در روز ظهور عیسی نمایان می گردند.

ما مسیحیان برخی اوقات طوری زندگی می کنیم که انگار آینده ای در نزد خدا نداریم. ما همیشه سرگرم خیلی از امور مختلف در زندگی مان هستیم و خیلی از زمان ها در همان راه قدیمی همیشگی قرار می گیریم و در فکر گناهان گذشته مان و یا افرادی که به ما اسبیبی رساندن هستیم. و اینگونه برای ما، آینده ای که ما می توانیم در نزد خدا داشته باشیم بسیار دور به نظر خواهد آمد و با این تفاسیر دیگر ما نمی توانیم کسی را هم به وعده های اتی خدا دعوت نماییم. این عوامل باعث این می گردد که ارزش زندگی مسیحی مان روز به روز تنزل پیدا کند و به خیال اینکه فقط یک ادم معمولی بی ازاری باشیم به ادامه اینگونه زندگی کفایت می کنیم. ولی نکته اینجاست که در آینده نه چندان دور اگر روز موعود یک دفعه فرا رسد چه چیزی به یاری ما می آید؟ نگاه به آینده، باعث باز شدن گوش و چشم ما می شود که چه چیزی مهم است. وقتی انسان به فکر آینده خود باشد دیگر نمی تواند در زندگی روزمره خود به خواب دنیوی فرو برود. مسیحیان همیشه در طول تاریخ از طرفی امیدشان برای یک زندگی جاویدان از دست داده اند (همانند ایه ای که می گوید: انانی که مست هستند و در شب سرگردانند) و از طرفی دیگر مسیحیانی بوده اند که برای رسیدن به زندگی جاویدان زندگی روزمره خود را بکلی از یاد برده اند. ما بایستی همیشه در زندگی هوشیار و آگاه باشیم. آینده ای که ما از خدا جستجو می کنیم زیاد از ما دور نیست. ان آینده از همین الان شروع شده و در کنار ما به روشنی قابل رویت می باشد.

با وجود این همه مطالب، وجودیت ما ادم ها به بالاترین معنی خود دست می یابد و ما انسان ها در نزد خداوند بر حسب یک ارزش انسانی مقیاس می شویم و نه بر حسب توانایی هایی که ما بایستی از عهده آنها برابیم. چقدر انسان ها می توانند کوتاه فکر باشند که ارزش وجود یک انسان معلول را پایین بیاورند چون او مناسب با ارمان های آینده ما نمی باشد. متأسفانه امروزه برخی انسان ها هدف هایی از قبیل زیبایی، سلامتی و ثروت در زندگی

خودشان قرار می دهند. و حال اگر کسانی نتوانند از عهده این فاکتورها برآیند چه در انتظار آنها هست؟ آیا فقط مرگ راه چاره است؟ والدین بایستی با خودشان این تفکر را انجام دهند که در زمان تولد کودک معلول چه باید کرد. آیا بایستی از افراد مسن و بیمار مراقبت نشود چون آنها هیچ آینده ای ندارند؟ اینگونه تفکر نادرست خیلی ناپسند می باشد که ما آینده خود اینگونه در زندگی می بینیم.

امروز پولس به ما یک دید دیگری نشان می دهد. دیدی که همیشه روشن و هرروز در کنار ما قرار دارد و مربوط به یک زمان خاص نمی باشد بلکه به یک شخص.

" از یاد نبریم که خدا ما را برنگزیده تا زیر غضب خود قرار دهد بلکه ما را انتخاب نموده تا بوسیله خدایمان عیسی مسیح نجات دهد. او جان خود را فدا کرد تا ما بتوانیم تا ابد با او زندگی کنیم خواه به هنگام بازگشت او زنده باشیم ، خواه مرده باشیم "

تا زمانی که ما زندگی می کنیم یک روزی هم مریض ، افسرده ، پیر و ناتوان می شویم. خیلی از ماها با اطمینان کامل زندگی می کنیم ولی یک روزی همه این اتفاقات برای ما هم رخ می دهد. خداوند ما عیسی مسیح در اینباره بی تفاوت نبوده و برای زندگی جاویدان ما ، خودش را بر روی صلیب کشت تا به ما نشان دهد که کدام راه و آینده ای را برای ما دارد. عیسی می تواند به هزاران دلیل ما انسان ها را در دادگاهش بخواهد و بگوید که ما چگونه که بایستی رفتار می کردیم ، نبوده ایم و از این اظهارش هیچ شرمساری نداشته باشد. ولی او ما را در این حالت تنها نمی گذارد حتی ما اگر به آن گاهی پشت کنیم. چقدر خوب می شد تا انسان های زیادتری این را می دانستند و اگر ما زحمت زیادتری می کشیدیم تا این پیغام مبارک را به افراد بیشتری که از خدا و ما دور هستند می رساندیم و عشق عیسی را به همه آنها نشان می دادیم.

آمین